

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت سال نو

نوروز باستانی، سنت کهن و یادگار  
گرانمایه نیاکان ما فرامی رسد. نوروز  
نویده بخش شادی، نشاط، صلح و آزادی است،  
چشم برطرف شدن کینه ها و کدورت ها است.  
در سالهای اخیر، متأسفانه هم میهنان ما  
امکان نداشتند، که این جشن ملی خود را در  
مقیاس و شرایط دلخواه خویش برگزار کنند.

سال ۱۳۶۴ در شرایطی آغاز می شود که؛  
- دلهره و اضطراب، تشنج و ناراضی سراسر  
کشور را فرا گرفته است و در اثر سیاست  
ضد خلقی رژیم "ولایت فقیه" در ادامه جنگ  
فرسایشی، مراکز صنعتی، شهرها و روستاهای  
ما به کرات بمباران شده و علاوه بر  
بقیه در صفحه ۲

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

جنگ میان ایران و عراق با بمباران وسیع شهرهای بزرگ دو کشور  
وارد مرحله خطرناک جدیدی شده است. طی چند روز اخیر شهرهای  
تهران، تبریز، آبادان، اصفهان، رشت، کرمانشاه، زنجان،  
پیرانشهر، خرم آباد، کرد، ایلام، کیلانغرب و سنندج در ایران و  
مقابلا شهرهای بزرگ در عراق مورد حملات هوایی و موشکی طرفین  
در حال جنگ قرار گرفته است. قربانیان این جنایت آشکار هزاران  
نفر از اهالی بیگناه هستند که در دو کشور همسایه بی خانمان و در بدر  
میشوند. علاوه بر این با آغاز مجدد حملات گسترده در جبهه های جنگ  
هزاران نفر دیگر به شمار صدها هزار کشته و معلول جنگ افزوده  
می شوند.

حزب توده ایران با محکوم کردن آغاز بمباران شهرهای بیدفاع از  
جانب رژیم عراق و نیز عمل متقابل رژیم جمهوری اسلامی در این  
زمینه،  
بقیه در صفحه ۷



دوره هشتم، سال اول، شماره ۴۳  
پنجشنبه ۱ فوریه ۱۳۶۴  
بها: ۳۰ ریال

## رفیق حمید مؤسس خفاری زیر شکنجه شهید شد در صفحه ۲

## ورشکست مالی و انزوای هر چه بیشتر رژیم در جامعه

خمینی در ملاقات با بازاریان و کمیته امداد  
به ریاست عسکر اولادی، سخنگوی کلان  
سرمایه داران، از جمله گفت: آنچه بارها گفته ام  
این است که همه شما باید پشتیبان یکدیگر  
باشید. دولت پشتیبان بازار و بازار هم پشتیبان  
دولت. ما باید این انقلاب را چون امانتی نگه  
داریم... من شما را می شناسم و شما افراد خوب و  
سالمی هستید. باید در جهت تفاهم و دوستی کام  
پردارید و از آن جهت که حسن نیت دارید  
انشاءالله مشکلاتتان حل می شود" (صدای  
جمهوری اسلامی، ۱۲/۲۱/۶۲).

اگر این اظهار نظر خمینی را با گفته های او در  
سالهای نخست پس از انقلاب مقایسه کنیم، به  
ژرفای انزوای رژیم جمهوری اسلامی که با زتاب  
خهانت سران ج.ا. به آماجهای مردمی انقلاب و  
توده های میلیونی محرومان است، پی خواهیم  
برد.

در آبان ماه ۱۳۵۸ خمینی دولت را از آن  
بازاریان کلان سرمایه دار نمی دانست و به آنها  
نمی گفت که انقلاب از آن شما است و شما باید  
آنها چون امانتی نگهدارید. او می گفت: "این  
نهضت از برکت شما زاغه نشین ها و امثال شما،  
یعنی طبقه محروم پیشرفت کرده است" (در دیدار  
با کمیته امداد ۲۸ آبان ۵۸). هم او بود که خطاب به  
دولت رجایی اظهار داشت: "فکر این مردمی که  
همه چیزشان را دادند و شمارا به مسند نشانند،  
فکر آنها را بکنید" (خطاب به دولت رجایی، ۲۲  
شهریور ۱۳۵۸).

از همه مهمتر، خمینی خطاب به آن تجاری که  
امروز می گوید "من شما را می شناسم و شما افراد  
خوب و سالمی هستید" و از دولت می خواهد تا  
پشتیبان آنها باشد، زمانی می گفت: "شما  
تاجرهای محترم که نبودید در این میدان ها، من  
بقیه در صفحه ۴

## معرفی "فرهنگ چماق و چاقو کشی" رژیم ج.ا.یا بررسی فرهنگ و هنر ایران در صفحه ۲

## سازمان امپریالیسم ساخته "حجتیه" زیر چتر حمایت سران رژیم سرگرم فعالیت است

انجمن حجتیه ندارند... ولی این آقایان عیب  
آنچنانی ندارند که مجازات شوند.  
رفسنجانی همچنین تصریح می کند که "بعد از  
آنکه امام اظهار عدم رضایت فرمودند، اینها  
چون مسلمان بودند، اعلام توقف کردند و اعلام  
انحلال نکردند... بسیاری از اینها اکنون در  
نظام جمهوری اسلامی شافل هستند... کار می  
کنند و کسی هم مزاحم آنها نیست". و در اینجا  
برای آنکه رضایت خاطر آقای خامنه ای و دیگر  
دلبندان انجمن حجتیه در حاکمیت را تامین  
نماید بلافاصله می افزاید: "آنها هم مزاحمتی  
برای جمهوری اسلامی ندارند و خدمت هم می  
کنند" (اطلاعات ۲۰ بهمن ۶۲).

حال باید از آقای رفسنجانی پرسید:  
چگونه "آب" و "آتش" دیروز با یکدیگر در  
آمیختند و چه شد که عوامل "خطرناک" دیروز به  
خدمتگزاران امروز تبدیل شده اند؟  
با نیم نگاهی به علت وجودی و عملکردهای  
حجتیه در پیش و پس از انقلاب از لابلای پاره ای  
از سخنان حکام و نوشته های مطبوعات ج.ا.  
میتوان به مامیت پشتیبانی کنونی رژیم از  
"حجتیه" و حاکمیت خط و سیاست آن پر زندگی  
اجتماعی کشور پی برد.

"انجمن حجتیه" یک سازمان ساخته و پرداخته  
دست امپریالیسم و بزرگترین پشتیبان آن  
امپریالیسم آمریکاست. "حجتیه" ای ها در حال  
بقیه در صفحه ۶

در جریان مبارزات حاد اجتماعی بعد از  
پیروزی انقلاب ماهیت و سمتگیری سیاسی و  
طبقاتی همه نیروهای اجتماعی و احزاب و  
سازمانهای بیانگر منافع اقشار و طبقات  
گوناگون از جمله سازمان "ساواک"  
ساخته "حجتیه" در پیشگاه مردم ایران آشکار  
گردید. بعد از انقلاب سازمان "حجتیه" بخاطر  
نفوذ گسترده اش در سطوح گوناگون دستگاه  
حکومتی و در دست داشتن مسئولیت های کلیدی  
و نیمه کلیدی" بعنوان یکی از عوامل عمده  
اجرایی توطئه های امپریالیسم علیه انقلاب و  
نیروهای انقلابی، موفق گردید روند رشد و  
گسترش انقلاب را سد کند. با چرخش پراست در  
حاکمیت و باز شدن راه رشد سرمایه داری  
وابسته در راستای احیاء مواضع امپریالیسم در  
ایران، در واقع مواضع اقتصادی، اجتماعی و  
سیاسی "حجتیه" بعنوان بیانگر منافع کلان  
سرمایه داران و بزرگ زمینداران و دیگر  
هارتگران اجتماعی برگزیده انقلاب سوار شد.

اخیراً هاشمی رفسنجانی در مصاحبه مطبوعاتی  
خود با خبرنگاران داخلی و خارجی، در پاسخ  
خبرگزاری ژاپنی "کیودو" - که برای اطلاع از  
وضع "ستون پنجم" امپریالیسم در ایران - می  
پرسد: "آیا فعالیت انجمن حجتیه علیرغم فرمان  
امام صحت دارد و چنانچه صحت داشته باشد  
اعضای این گروه مجازات می شوند؟" با حرارت  
پاسخ می گوید: "اینها الان فعالیت رسمی بعنوان

## وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران - -

بقیه از صفحه ۱

افزایش خسارات اقتصادی و مالی، دیگر بار هزاران نفر از هموطنان ما کشته، زخمی، بی‌خانمان و آواره شده‌اند و چه بسیارند جوانان پرومند وطن که ناخواسته در چپه‌های جنگ به خاک و خون غلتیده‌اند.

- از آزادیهای دمکراتیک اثری باقی نمانده است، احزاب و سازمانهای مترقی "منحله" اعلام شده و از فعالیت انجمن‌های صنفی و سندیکاهای کارگری جلوگیری می‌شود، نیروهای انقلابی تحت شدیدترین پیگردها قرار گرفته و ده‌ها هزار نفر از بهترین فرزندان خلق زیر شکنجه‌های جسمی و روانی پسر می‌برند. هزاران میهن پرست ایرانی به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند، موج دستگیریها ادامه دارد و ده‌ها هزار نفر از متخصصین فنی، پزشکان، نویسندگان، شعرا و هنرمندان مترقی ناگزیر جلای وطن کرده‌اند.

- تورم، گرانی سرسام آور، کمبود مسکن و بهداشت، بیکاری و بحران عمیق اقتصادی در تاروپود جامعه رخنه کرده و زحمتکشان کشور، بویژه کارگران و دهقانان و کارمندان جزء ناگزیر از تحمل فشارهای کمرشکن اقتصادی‌اند.

- مبارزه کارگران و دهقانان تهدیدست هرچه بیشتر با خشونت ارگانهای سرکوبگر روبرو می‌شود.

- رژیم برای تقویت مواضع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، کارخانه‌های ملی شده را به کلان سرمایه‌داران می‌فروشد و زمین‌های تقسیم شده میان دهقانان را به بزرگ مالکان بازپس می‌دهد و بدینسان نظام سرمایه‌داری وابسته را احیا می‌کند.

- زنان، جوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان میهن ما در بدترین شرایط ممکن پسر می‌برند. توهین به شخصیت اجتماعی زنان و عقب راندن آنان از عرصه کار و مبارزه اجتماعی اوج می‌گیرد. اکثر جوانان کشور ما از هرگونه امکانی بی‌بهره‌اند و هیچ چشم اندازی روبرو آینده ندارند، بیکاری و فقر و اعتیاد آنان را تهدید می‌کند، هزاران دانشجو از دانشگاهها اخراج شده‌اند و مراکز علمی و آموزشی هرچه بیشتر از محتوای علمی، فنی و فرهنگی تهی می‌شوند، دهها هزار دانش‌آموزان در چپه‌ها کشته شده‌اند، کمبود امکانات آموزشی و هزینه‌های سنگین موجب آن شده تا بخش مهمی از کودکان شهری و روستایی از ادامه تحصیل محروم شوند.

- از گنجینه انقلاب بهمین صدف را دزدیده‌اند و خرف را برجای نهاده‌اند و مشتکی دشمنان فرهنگ و هنر و تمدن بخود حق می‌دهند نه تنها عقاید انسانها را تلقین می‌کنند، بلکه در اعمال شخصی شهروندان، طرز لباس پوشیدن و روابط میان آنان نیز دخالت می‌کنند.

آری، سال نو، در شرایط دشواری آغاز می‌شود، راهی که در برابر هموطنان ما قرار دارد راهی

است پرفراز و نشیب و دشوار، راهی است سراپا مبارزه و رنج، ولی این راهیست پرافتخار که تاریخ در پیش پای ما گذاشته است و از آن گریزی نیست. حکومتی که بر میهن ما حاکم است، یک حکومت استبدادی و ارتجاعی است که زندگی هر ایرانی میهن دوست را در همه ابعاد مورد مخاطره قرار داده است. مبارزه با هیئت حاکمه ارتجاعی، یک وظیفه مقدس ملی و میهنی است. بدیهی است که در راه پیروزی بر ارتجاع حاکم موانع فراوان وجود دارد. ولی کثرت موانع و پرفراز و نشیب بودن راه، سلب کننده این وظیفه نیست. باید متحد شد، مبارزه کرد و مطمئن بود که پیروزی از آن زحمتکشان است. برای دستیابی به این هدف باید نفاق و چنددستگی میان نیروهای ملی و مترقی را کنار گذاشت. همکاری و اتحاد این نیروها، یک ضرورت تاریخی است. آنها که با این و یا آن عنوان در راه اتحاد نیروها سنگ می‌اندازند، مسئولیت بزرگی به عهده دارند. وجود اختلافات و اشکالات در گذشته نمی‌تواند و نباید توجیه کننده عدم همکاری در دوران سرنوشت ساز کنونی باشد.

حزب توده ایران با تمام قوا و با استفاده از کلیه امکانات، با انعطاف پذیری برای دستیابی به اتحاد میان نیروهای ملی و مترقی و ترقیخواه خواهد کوشید، باشد که آنها نیز به نوبه خود به مسئولیت خویش در این زمینه بپایندیشند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان و همه آنان را که خواهان ایرانی آزاد و مستقل اند فرامی‌خواند تا سال ۱۳۶۴ را به سال مبارزه متشکل و همه جانبه برای پایان دادن به خورنیزی و کشتار و برقراری صلح عادلانه، به سال مبارزه برای تحقق آزادیهای دمکراتیک، رهایی زندانیان سیاسی از بند، عقب راندن ارتجاع حاکم و عوامل سرکوب و فشار، بازگشت مهاجرین سیاسی به کشور، به سال نبرد پیگیر علیه سیاست اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران برپاده رژیم، خاتمه دادن به غارت بهره‌کشان از طریق کم کاری، سرپیچی از اجرای قوانین و مقررات ارتجاعی، اعتصابات و بالاخره مبارزه رودررو با حاکمیت ضد خلقی، به سال پیکار برای دفاع از حقوق زنان، جوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان و به سال اتحاد همه نیروهای ملی و مترقی تبدیل کنند.

در این جشن باستانی، ما از یاد همزمان و یاران خود، که در بند زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم رنج می‌برند، فارغ نیستیم و برای رهایی آنها از بند و ستم، با تمام نیرو میکوشیم.

ما، سال نو و جشن باستانی نوروز را به هم میهنان گرامی تبریک می‌گوییم و برای آنان در سالی که در پیش است آرزوی پیروزی در مبارزه و تندرستی داریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۹ اسفند ۱۳۶۳

## به‌مامی نویسنند

زمینهای مصادره شده را پس می‌دهند

## در شیروان

پس از پیروزی انقلاب در یکی از روستاهای اطراف شیروان، بنام "خانلق" یک مزرعه ۲۰۰ هکتاری، متعلق به یکی از خانهای معروف شیروان بنام نگهبان، بین ۱۲ نفر از دهقانان تقسیم شد. دهقانان از این زمینها بصورت مشاع بهره برداری می‌کردند. پس از یورش به حزب توده ایران، سرپرست این مشاع که یکی از دهقانان هوادار حزب توده ایران بود، دستگیر شد و سرانجام با کمک دادگاه شرع و سپاه و دیگر مسئولین ج.ا. در شیروان، خان یاد شده به خانلق بازگشت و "زمینهای خود" را پس گرفت. رفیق دستگیر شده که سالهای دراز علیه خانها در شیروان مبارزه کرده و چند سالی از این شهر تبعید شده بود، هم اکنون در زندان است.

## در ساری

مسئولین ج.ا. در ساری زمینهای مصادره شده شخصی بنام "حاج نیک بخت" را به وی پس دادند. این زمینها در شمال شرق ساری معروف به "ساری نو" واقع بود و در دوران ستمشاهی متری ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان خرید و فروش می‌شد. در این زمینها ۲۶ خانه ساخته شده و در اختیار تعدادی اشخاص زحمتکش قرار گرفته بود که به حکم دادگاه انقلاب این اشخاص مجبور شدند که قیمت زمین را بطور اقساط به "حاج نیک بخت" بپردازند. کار این شخص خرید و فروش پنبه و گندم و برنج است و از این طریق سودی سرشار می‌برد.

## در کرچ

تعدادی از ساختمانهای بسیار بزرگ مصادره شده در کرچ که متعلق به یکی از سرمایه‌داران بزرگ این شهر بود و در جریان انقلاب مصادره شده بود، به "صاحب" آن واگذار شد. سرمایه‌دار یاد شده کرایه ساختمانها را در طول مدت مصادره دریافت کرد. این ساختمانها در اختیار نهادهای انقلاب قرار داشت. یکی از ساختمانها را سپاه به قیمت روز خرید.

## در گرگان

شخصی بنام "چنگیزی" از فئودالهای معروف گرگان بخش بزرگی از زمینهای مصادره شده خود را باز پس گرفت. شخص مذکور صاحب ثروت بسیاری است و همه ساله مدتی را به عنوان تفریح در آمریکا و اروپا به سر می‌برد.

## درسیاهاچالها

## چه می‌گذرد؟

رفیق حمید مؤسس خفاری  
زیر شکنجه شهید شد

باز هم پرده از یک جنایت دیگر رژیم ج.ا. برداشته شد. باخبر شدیم که در سپیده دم ۲۵ خرداد ۶۲، رفیق توده‌ای ما، "حمید مؤسس خفاری" در حالیکه تا آخرین لحظه زندگی سراسر تلاش و مبارزه‌اش، از آرمانهای توده‌ای خود دفاع می‌کرد، سرانجام زیر شکنجه جلادان در سندان جان سپرد. ویدینسان، قلب دیگری، سرشار از عشق خلق و میهن و پر بار از کینه عمیق به دشمنان طبقاتی زحمتکش، از تیش باو ایستاد.

حاکمان "شرع" و منادیان "عدالت اسلامی" کوشیدند تا به شیوه معمول، مرگ او را "خودکشی" وانمود کنند، اما مشتشان باز شد و پرده از مبارزه قهرمانانه رفیق حمید مؤسس خفاری و سرانجام قتل بیرحمانه او توسط جلادان ج.ا. برداشته شد.

رفیق حمید، در سال ۱۳۳۵ در سندان متولد شد، در سال ۱۳۵۵ به دانشگاه رازی کرمانشاه راه یافت، همزمان با گسترش و اوج گیری جنبش دانشجویی به خیل مبارزان پیوست و سرانجام پس از شناخت حزب توده ایران و آشناسدن با مواضع اصیل مارکسیستی لنینیستی به مسلک مبارزان توده‌ای درآمد. در جریان انقلاب به سندان بازگشت. وی در سازماندهی تظاهرات مردم شهرش نقش موثری داشت و مورد علاقه زحمتکشان سندان بود. در روزهای قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن و پیروزی انقلاب دوش بدوش و پیشاپیش زحمتکشان، برای درهم شکستن آخرین مقاومت‌های رژیم پوسیده ستماشی، قهرمانانه کوشید. وی در طول دوران فعالیت خود در حزب توده ایران که بطور علنی از اوایل سال ۵۸ آغاز شد، وظایف توده‌ای خود را با جدیت تمام پیگیری می‌کرد و به عنوان یک مبارز برجسته توده‌ای، مورد اعتماد زحمتکشان بود. رفیق حمید، در ایجاد تشکلهای توده‌ای - کارگری، از جمله سندیکاهای خیاطان سندان، کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی و چند واحد دیگر کارگری بسیار کوشید...

دربی یورش سراسری ارتجاع حاکم به حزب توده ایران، رفیق حمید مؤسس خفاری در دم اردیبهشت ۶۲ دستگیر شد. ارگانهای سرکوبگر در سندان که از محبوبیت و اعتبار او در میان رفقای توده‌ای و زحمتکشان سندان باخبر بودند، برای شکستن روحیه مبارزان، او را به زیر شکنجه بردند تا آنچه راکه دشمنان سیاه‌دل مردم می‌خواهند بر زبان راند، اما مقاومت قهرمانانه رفیق حمید چون مشت کوبنده‌ای بر دهان کزمنگان اهریمن صفت فرود آمد.

وی با ایثار جان، مبارزه خود را به پایان رساند. راهش پر رهرو و نامش ماندگار باد

شهادت عضو مشاور  
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران  
(اکثریت)

رفیق قربانعلی، موه‌ذنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی و دبیر کمیته‌های ایالتی فارس و اصفهان، زیر شکنجه‌های وحشیانه حاکمان "شرع" قهرمانانه به شهادت رسید. پس از یورش وحشیانه رژیم "ولایت فقیه" به حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفیق موه‌ذنی پور که مبارزه خود را با سرسختی ادامه می‌داد، مورد تعقیب و مراقبت قرار گرفت و سرانجام دستگیر شد. وی در تمام دوران دستگیری در برابر دژخیمان قهرمانانه مقاومت کرد و چنان بر سر آرمانهای مردمی خود نهاد، رفیق موه‌ذنی پور از سال ۵۴ به عضویت سازمان فدائیان خلق ایران درآمد. در سال ۵۴ دستگیر شد، یک سال در زندان انفرادی زیر شکنجه بود و سرسختانه از اشتهاء مسائل سازمانی خود سرباز زد. مقاومت قهرمانانه او سبب شد که به مرگ محکوم شود، اما در حکم تجدید نظر شد و رفیق موه‌ذنی پور به حبس ابد محکوم گردید. وی در طول زندان همواره در کنار مقاومترین چهره‌ها و شخصیت‌های انقلابی علیه نظام ستماشی فعالیت می‌کرد. او در مبارزات زندانیان سیاسی قصر نقش جدی داشت و از رهبران اعتصاب غذای یک ماهه این زندان در سال ۵۷ بود. پس از آزادی از زندان (در دیماه ۵۷) بلافاصله فعالیت انقلابی خود را پی گرفت و به پاس لیاقت و شایستگی، در خرداد ۶۱ به مقام عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ارتقاء یافت.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) طی اعلامیه‌ای اعلام داشت که: "رفیق قربانعلی موه‌ذنی پور (رفیق احمد) به دلیل اطلاع قبلی رهبران حکومت از کارنامه انقلابی و موقعیت سازمانی وی همچون دیگر اعضا، رهبری سازمان ما از مدتها پیش تحت پیگرد قرار داشت. مامورین ارتجاع پس از تلاشهای بسیار رفیق قربان را یافتند و در مناسبت این فرزند فداکار خلق راه به شهادت رساندند." یادش گرامی باد!

شهادت  
چریکهای فدایی خلق (اقلیت)

بنابه نوشته "راه کارگر" باخبر شدیم که رفیق رضا ستوده از کادرهای چریکهای فدایی خلق (اقلیت)، همچنین رفقا عبدالله افسری و حسین قاضی در زندانهای رژیم اعدام شده‌اند. همچنین بنابه نوشته "اطلاعات" پنج نفر از رفقای چریکهای فدایی خلق (اقلیت) در جریان زدو خورد مسلحانه در کردستان به شهادت رسیده‌اند.

## معرفی فرهنگ چماق و چاقو کشی ...

در اواخر بهمن ماه کارگزاران و پادوهای رژیم ج.ا. برای معرفی و "بررسی فرهنگ و هنر ایران" در مقر سازمان یونسکو در پاریس حضور یافتند.

ولی از آنجاییکه کارنامه سیاه ولایت فقیه در دوران موجودیت خود، جز کام برداشتن در راه محو و پایمال کردن آثار و مفاخر فرهنگی و هنری اصیل و ریشه‌دار مردم ایران و فرمانفرمایی حکومت ترور و خفقان و به بند کشیدن هنرمندان و نویسندگان و شکنجه و تیرباران آنها نبوده و نیست، شرکت نمایندگان رژیم و اسپرکری ج.ا. با اعتراض و واکنش منطقی و گسترده نیروهای انقلابی و مترقی و از جمله حزب توده ایران روبرو گردید. از اینرو جمع کثیری از نیروهای انقلابی و دوستداران فرهنگ ایران برای افشای چهره فرهنگ ستیزان حاکم بر ایران در محل برگزاری مراسم حضور یافتند. اما اوباشان و چاقو کشان سفارت ج.ا. در برابر موج افشگری های حاضرین به حربه منطقی همیشه خود یعنی چوب و چماق و چاقو متصل شدند تا جلوه دیگری البته نه از فرهنگ و هنر مردم ایران، بلکه "فرهنگ و هنر رژیم ج.ا." را به نمایش گذارند که در پیامد آن شماری از شرکت کنندگان در اعتراض مضروب شدند.

با این وجود، شرارت های مزدوران رژیم به همین جا پایان نیافت. فردای آن روز هنگامی که جمعی از رفقای ما با در دست داشتن بیانیه‌ای که طی آن ضمن محکوم کردن اعمال نفرت انگیز قاده پندان رژیم و افشگری سیاستهای ضد فرهنگی و ضد انسانی آن، قصد رفتن به مقر یونسکو را داشتند، بدون مقدمه و به شیوه‌ای اوباشانه مورد حمله گردانندگان سفارت قرار گرفتند. در جریان یورش وحشیانه چاقو کشان سفارت علاوه بر ضرب و شتم شماری از حاضرین یکی از رفقای ما بشدت زخمی گردید و به بیمارستان منتقل شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت.

حوادثی که در این دو روز (۴ و ۵ فوریه) در مقر یونسکو روی داد، در واقع نمایش نفرت انگیز و قانون شکنانه "سفیران و رسولان صدارتی" رژیم بود؛ کارگزاران رژیم ج.ا. مقر یونسکو یعنی جایی را که بر اساس مصوبات بین المللی پایستی از هر گونه برخورد خشونت آمیز دور باشد و از این رو حتی از حضور پلیس در آن جلوگیری بعمل می‌آید، به میدان تاخت و تاز خود تبدیل کرده بودند.

اعمال ضد بشری پادوهای سفارت که احساس تنفر و انزجار عمیق محافل مترقی فرانسه را بر انگیخته بود در رسانه های گروهی فرانسه از جمله در روزنامه های فرانسوی "لوموند" و "اومانیته دیمانش" بازتاب یافت.

هم میهنان عزیز! با باک‌گیری و بسیج همه امکانات خود

به یاری ده‌ها هزار خانواده زندانیان سیاسی بشتابیم!

## ورشکست مالی و انزوای هر چه بیشتر رژیم در جامعه

بقیه از صفحه ۱

(اطلاعات، ۱۵ اسفند ۱۳۶۳).

اینکه هزینه‌های سرمایه‌ای از ۲۲٫۶۴ درصد بودجه در سال ۵۵ به ۷٫۲ درصد در سال ۶۳ کاهش یافت و رژیم به علت عدم درآمد کافی، به اعتراف وزیر راه و ترابری، در سال ۶۴ مجبور است ساختمان ۲۰۰ هزار کیلومتر راه را متوقف سازد، دلیل بارز ورشکست مالی رژیم است.

## راه پرون رفتی

## که رژیم انتخاب کرده است

رژیم راه پرون رفت را در حراج کارخانه‌های دولتی و مصادره شده می‌داند. نخست وزیر جمهوری اسلامی در "سومین گزارش اقتصادی" خود گفت: علاوه بر دارائی‌های تحت نظارت "بنیاد مستضعفان"، "دفتر تبصره ۸۲" تحت نظارت نخست وزیر صدها باغ، ماشین، خانه و موسسه را در اختیار دارد. مثلاً فقط در تهران ۴۹۷ دستگاه خانه با مساحت‌های مختلف، ۱۵۷ واحد تجاری، ۶۶ ویلا و ۵۰۶ باب مغازه در اختیار دولت است. علاوه بر این بیش از ۱۵۰ شرکت تولیدی در زمینه صنایع و معادن، ریسندگی و بافندگی، شیمیایی و دارویی، ساختمانی و راهسازی، چاپ و تولید مرکب، تهیه وسایل پلاستیکی، کاغذسازی، تولید آجر و سفال و کشت و صنعت در اختیار "دفتر تبصره ۸۲" است و در کنار آنها تعدادی هتل و سینما نیز هست. نخست وزیر رژیم می‌گوید: "... ما از همان اول اعلام کردیم که این واحدها باید در اختیار مردم قرار بگیرند... این نوع دارائی‌ها دادم در حال عرضه شدن به مردم است..." (اطلاعات، ۲۰ بهمن ۶۳).

رژیم برای چه این همه ثروت را به حراج گذارده و خریداران آنها چه کسانی هستند؟ میرحسین موسوی می‌گوید هدف بدست آوردن پول است تا دولت بتواند "در زمینه‌های دیگر سرمایه‌گذاری کند و از پول این کارخانه‌ها، برای خدمت به مردم و رشد و تعالی کشور استفاده کند" (همانجا).

آیا "مردمی" که می‌توانند پول نقد در برابر فروش کارخانه‌های دولتی بپردازند، جز کلان سرمایه‌داران بازاری مورد حمایت خمینی هستند؟ وانگهی مردم واقعی، یعنی توده‌های میلیونی زحمتکشان می‌پرسند: چرا دولت از همین کارخانه‌ها و دیگر موسسات سودآوری که درصد فروش آنها است "برای خدمت به مردم و رشد و تعالی کشور" استفاده نمی‌کند؟

واقعیت این است که رژیم ولایت فقیه برای نجات از ورشکست مالی تقلا می‌کند. اما از هم اکنون می‌توان گفت که حتی با این خیانت بزرگ، یعنی فروش کارخانجات و موسسات دولتی به کلان سرمایه‌داران نیز رژیم نخواهد توانست بحران عمیق اقتصادی و مالی را جبران کند. مبارزه با سیاست ضدملی رژیم وظیفه فرد علاقمند است که به استقلال و آزادی میهن خود را برای اکثریت قاطع مردم ایران دریابد. علیه این سیاست باید مبارزه کرد.

نسبت به سال قبل ۲۱٫۲ درصد و بالاخره در سال ۶۳ در مقایسه با سال ۶۲ معادل ۵٫۵ درصد افزایش یافت.

پر واضح است که اقتصاد هیچ کشور، مشابه با کشور ما، قادر به تحمل این هزینه‌های سرسام آور نمی‌تواند باشد، بویژه اینکه به علل عدیده و از آنجمله ادامه جنگ رژیم قادر به استفاده از یگانه منبع درآمد، یعنی صدور نفت خام نیست. همه می‌دانند که اقتصاد ایران تک کالایی است، یعنی وابسته به نفت است. وابستگی به درآمد نفت، یعنی وابستگی به جهان سرمایه‌داری و نوسانات تقاضا در آن کشورها. زیرا خریداران عمده نفت ایران انحصارهای نفتی بزرگ حاکم بر بازار نفت جهان سرمایه‌داری هستند. وضع ایران در این عرصه چگونه است؟

دولت در لایحه بودجه سال ۶۳ مبلغی حدود ۱۹۹۶ میلیارد ریال از بابت درآمد نفت در نظر گرفته بود که عملاً از ۱۵۸۵ میلیارد ریال تجاوز نکرد. در لایحه بودجه دولت که برای سال ۶۳ تنظیم شده بود، دولت ۲۰۵۱ میلیارد ریال درآمد نفت در نظر گرفته بود. گرچه کمیسیون بودجه مجلس این رقم را به ۱۸۰۰ میلیارد ریال تقلیل داد، با وجود این تا ۱۸ بهمن ۶۳ درآمد دولت از نفت فقط ۱۱۶۶ میلیارد ریال بود و تا پایان سال جاری طبق برآورد دولت از ۱۲۵۰ میلیارد ریال تجاوز نخواهد کرد. بدینسان دولت فقط از این راه طی دو سال مبلغی حدود ۷۵۱ میلیارد ریال کسری داشته است.

نمونه دیگر، در بند درآمد بودجه سال ۶۳، در ردیف "سایر درآمدها" مبلغ ۶۷۶٫۶ میلیارد ریال در نظر گرفته شده بود که ۱۸ تا بهمن ماه فقط ۲۹۱٫۵ میلیارد ریال آن حاصل شده و (۲۸۵ میلیارد ریال آن جزء کسری بودجه محسوب می‌شود).

با در نظر گرفتن اینکه میزان تولید نفت اوپک و از جمله ایران روبه کاهش است، مشکلات عظیم مالی که دولت با آن روبرو خواهد شد، بیش از پیش برجسته می‌شود. طبق نوشته "پلتس اوپک گرام نیوز" (۶ فوریه ۱۹۷۵)، تولید نفت ایران در ژانویه سال میلادی ۸۵، در مقایسه با دسامبر سال گذشته، ۷۰۰ هزار بشکه در روز کاهش داشته است. و این دلیل دیگر ورشکست مالی رژیم است.

اول فوریه ۱۹۷۵ مجله "میدل ایست" از قول خبرگزاریها و دیپلماتهای خارجی و بانکداران در تهران نوشت که ایران تقریباً تمام واردات خود را، بواسطه تقلیل شدید صادرات نفت از ماه دسامبر، و کمبود خطرناک ذخایر ارزی، متوقف کرده است. مجله از قول یک بانکدار تصریح کرد که اکنون تمام واردات ایران مواد غذایی و تسلیحات است.

نفت شریان حیاتی رژیم و تنها منبع موجودیت آن است. بهزاد نبوی می‌گوید، "اگر پول نفت نباشد، ارزی نیست که ما جنس وارد کنیم و از آن سود بازرگانی بگیریم. مالیات پر تجارت و مشاغل آزاد هم باز متکی به نفت است"

که می‌دانم که شماها نبودید. آن هائی که بودند از کاسب جزء و این حمال بود. این کارگر بود. این طلبه و این دانشگامی بود که همه فقیرند. این طبقه بودند که این نهضت را از پیش بردند و خون خودشان را دادند و این را از پیش بردند" (۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۸).

چنانکه ملاحظه می‌کنید خمینی دیروز با خمینی امروز از زمین تا آسمان فرق دارد. برای خمینی امروز نه دهقان، نه کارگر، نه دانشگامی، نه کسیه جزء و نه "حمال" که انقلاب کردند و او را بر مسند حکومت نشانند مطرح نیست و این نیز طبیعی است. زیرا هم او هم یارانش به منافع آنها خیانت کردند به همین سبب نیز مردم، یعنی توده‌های زحمتکش از رژیم جمهوری اسلامی رویگردان شده‌اند.

دولتی که می‌بایست در خدمت توده‌های محروم باشد به دولت خدمتگزار صاحبان ثروت تغییر ماهیت داده، نتیجه اینکه مشتی بازاریان سوگلی روحانیون حاکم دمار از روزگار مردم درآوردند. ثروت متمرکز در دست این عده انکشت شمار از ۲۰۹ میلیارد تومان در سال ۱۳۵۸ به ۹۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۶۳ رسید که در تاریخ ایران بیسابقه است. هر قدر صاحبان ثروت فربه‌تر شدند، خزانه دولت تهی‌تر می‌شد.

می‌گویند تورم زاییده ادامه جنگ بی‌فرجام، افزایش سرسام آور هزینه‌های غیر تولیدی دولت و استقرار سرسام آور دولت از بانک مرکزی از طریق چاپ اسکناس بی‌پشتوانه است که در نتیجه آن حجم پول و شبه پول در گردش از رقم ۱۶۵۵٫۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ به ۲۴۲۳٫۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۱ افزایش یافته است.

چه کسانی جز بازاریان بزرگ و کلان سرمایه‌داران در این سیاست ایران پربوده رژیم جمهوری اسلامی ذینفعند؟

سیاست اقتصادی و مالی رژیم پس از چرخش به راست هیلت حاکمه در جهتی سیر کرد که به سرعت دولت را به سوی ورشکست مالی سوق داد. پیکره‌های رسمی زیرین فقط گوشه‌ای از علل ورشکستگی مالی دولت را نشان می‌دهد.

رژیم برای تقسیم "غنایم انقلاب" به شیوه قرون وسطایی به ایجاد انواع نهادها و بنیادهای به اصطلاح انقلابی دست زد که هدفش بطور عمده به نان و آب رساندن عده‌ای از نزدیکان روحانیون حاکم بود. اگر بودجه این نهادها در سال ۱۳۵۸ معادل ۲۰٫۷ میلیارد ریال بود، در سالهای بعد سرعت روبه افزایش گذارد. بودجه آنها در سال ۱۳۵۹ معادل ۲۸٫۶ درصد، در سال ۶۰ حدود ۲۶ درصد، در سال ۶۱ معادل ۳۹٫۴ درصد و بالاخره سال ۶۲ معادل ۲۵٫۱ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت و این یک رقم نجومی را تشکیل می‌دهد.

هزینه‌های ناشی از جنگ (اعم از هزینه‌های مستقیم جنگ و پی‌آمدهای آن) که در سال ۶۰ معادل ۲۹۱٫۵ میلیارد ریال بود، در سال ۶۱ رشدی برابر ۲۶٫۶ درصد داشت. در سال ۱۳۶۳ این هزینه

## سستیز باشعریه‌نیمایی، زمینه سیاسی دارد

در نشریات هنری و ادبی کشور - اگر بشود بر آنان چنین نام نهاد - از نیمه و پیروانش رد و اثری نیست. گویی شعر نیمایی که در چند دهه اخیر شاهد بالندگی دم افزون آن بوده ایم وجود خارجی نداشته است. در درازای چند سال پس از پیروزی انقلاب در مجموعه نشریات ادبی و هنری ج.ا. - نه تیروهای مترقی - پیش از تعداد انگشتان یک دست، شعرهای نیمایی دارای ارزش هنری و اجتماعی دیده نشده است.

در جریان یک توطئه همه جانبه و گسترده شاعران مترقی و پیروان اصیل نیمه یکی پس از دیگری ناکزیر از ترک سرزمین خود شده و اگر مانده اند ناچار به گوشه نشینی و انزوا گردیده اند. این شاعران که شعر را چون سلاحی کارا و پرنده، همواره در خدمت مردم و اهداف انسانی و اجتماعی می خواسته اند و می خواهند، هریک به نوبه خود در راستای گسترش ارزشهای فرهنگی و هنری کشور گامهای موثر و بلندی برداشته اند. اما سردمداران رژیم "ولایت فقیه" راه را بر آنان بسته اند و در میدان فرهنگ و هنر ملی، خزف را بجای مروارید نشانده اند.

ضد ارزش به "ارزش" تبدیل شده و آیینهای کهنه و منسوخ مداحی و تملق، دیگر بار متداول شده است. در حالیکه همه ارزشهای فرهنگی و انسانی مورد دستبرد و توهین قرار گرفته است، مدیحه سرایان حرفه‌ای و مداحان رژیم ستمشاهی، اینک برای دریافت صله، به مدح و ستایش سلاخان فرهنگ و هنر و ارزشهای انسانی برخاسته اند. در این میدان سنگ را بسته و سگ را گشاده اند.

"اطلاعات" ۲۰ دی، به قلم یکی از خوانندگان خود می نویسد: "کسی به نام نیما وجود داشت و روشی داشت و پیروانی. روشی که بسیاری از شاعران عواطف و احساسات خود را با آن بیان می کنند. اما مارک "فرب زدگی" برپیشانی این روش چنین خورده است که نه می توان حرفی از آن زد و نه می توان به نقدش نشست. گویا باید وانمود کرد که اصلاً چنین چیزی نبوده است".

در این جملات ساده حقیقت تلخی نهفته است. در فضای توأم با ابهام و کهنگی هنری و ادبی حاکم بر جامعه پدیده تفتیش عقاید، همچون شمشیر داموکلس بالای سر همه قرار گرفته است و حتی کسی جرأت نمی کند به نقد شعر نیمایی بپردازد. تنها نباید گفت که این مسائل ریشه در تنگ نظریها و انحصارطلبیها دارد، موضوع، توطئه علیه هنر است و توطئه علیه پیشروان فرهنگ و هنر معاصر ایران، بویژه شعر.

در دوران ستمشاهی تلاش می کردند تا پرچمداران راستین فرهنگ و هنر ملی و شعر متعهد را با برجسبیهایی از نوع "فرب زدگی" از میدان بدرکنند. نیروهای ارتجاعی و مخالفان رشد و ترقی هنر و فرهنگ، در هر محفل تنگی نیمایوشیج را مورد حمله قرار داده و به باد استهزا می گرفتند. اما وقتی شعر نیمایی، یعنی

شعر اصیل امروز ایران، مضمون از تعرضات، همانند درختی تناور بالید و سربرکشید، شاعران و نویسندگان متعهد با توجه به ماهیت ضدکمونستی رژیم، با انواع دسیسه چینیها، به اتهام داشتن عقاید کمونستی مورد تعقیب و پیگرد قرار می گرفتند. بدین ترتیب شعر امروز ایران به نمود یک مبارزه سیاسی علیه ارزشهای کهنه و منسوخ فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده بود. امروز نیز به همان وسایلی - به نسبت خیلی بیشتر - حاملان اندیشه و فکر نو سازنده مورد هجوم قرار می گیرند و شعر نو و شاعران متعهد انقلابی از زخم تیغ متحجرین در امان نیستند. بی دلیل نبود که شاعر انقلابی خلق سعید سلطانیپور، به جوخه اعدام سپرده شد.

## ای بهار

روزهای سرد

روزهای زرد

روزهای درد

روزهای هر که هر چه برد

روزهای هر که هر چه کرد

بکنفر نشست

بکنفر شکست

بکنفر صدای در صدای دوست نطفه بست

از میان سنگلاخ و سور و برف و مه

ما بسوی قله می رویم بی گسست

بشکف ای ستاره سحر

ای بهار سرزمین شهگرفته بارگرد

جلال سرلرار

۱۷ آذر ۶۳

نیما یوشیج با شناخت و نگرش ژرف خود درباره چنین پدیده های دردناکی، می سراید: "از برای من ویران سفر گشته مجال دمی استاد ن نیست

منم از هر که در این ساعت غارت زده تر

همه چیو از کف من رفته بدر

دل فولادم با من نیست

همه چیزم دل من بود و کنون می بینم

دل فولادم مانده در راه.

دل فولادم را بی شکی انداخته است

دست آن قوم بداندیش در آغوش بهاری که

گلش کفتم از خون - و درخ

وین زمان فکر این است که درخون برادرهایم

- ناروادر خون بیجان

بی گنه فلطان درخون -

دل فولادم را زنگ کند دیگرگون ..."

اما کینه کینه توزان و دشمنان قسم خورده فرهنگ و هنر ملی، تنها شامل نوپردازان نمی شود. بلکه دامن بزرگان شعر و ادبیات کلاسیک ما را نیز گرفته است. دیوانهای شعر قدیم، یکی پس از دیگری از کتابخانه های عمومی و شخصی و کتابفروشیها به تاراج می رود و هر یک از نخبگان فرهنگ و ادب، در چند قرن پس از مرگ خود، به اتهام "می خوارگی"، "الحاد" و "فسق و فجور" چوب متحجرین سیاه دلی را می خورند که با ارزشهای انسانی، اجتماعی، فرهنگی و هنری در هم، قرنهای بیگانه بوده و امروز نیز هستند. اینان همه دستاوردهای فرهنگی و ملی را مورد تاخت و تاؤ قرار داده اند و به انتقام عقده های کهن خویش کمر به نابودی همه ارزشهای فرهنگی و هنری معاصر و کلاسیک کشور بسته اند. اعتراف سرمقاله نویس اطلاعات در سخن روز ۲ بهمن ۶۳ ژرفای فاجعه را نشان می دهد:

"همین الان گاه مطبوعات در می مانند که آیا شعر فلان شاعر در فلان قرن، یا قطعه ای از نوشته ها و اظهارات فلان عارف در فلان زمان را اگر در صفحات ادبی و هنری و عقیدتی چاپ کنند، این نشر یک مطلب انحرافی است و یا نه؟ آیا تبلیغ از فاسقان و می خواران و ملحدین و منحرفین است یا نه؟ و اگر درباره فلان عارف و فیلسوف حرفی بزنند و تعریف و ستایش هم در آن باشد و شرحی از شطیبات و معتقدات و آراء آنها نیز بیاید، در این صورت آیا نشر مطالب انحرافی و اهانت به اسلام و مقدسات شرع و اشاعه فحشاء و منکرات و ترویج لهو و لعب است یا نه؟ هر کس از دید خودش فوراً و متکی به ادله کثیر و معتبر عقلی و نقلی قضاوت قاطع کرده و فلان مطلب را "انحرافی" و فلان مطالب دیگر را غیر انحرافی می خواند".

علت چیست؟ آیا جز این است که متفکران و شاعران بزرگ ما در دوران زندگی خود همواره پرده از چهره این زاهدان ربیایی برداشته و ماهیت آنها را فاش ساخته اند؟ آیا نه این است که شاعران انقلابی امروز از محرومان دفاع می کنند و حکومت ج.ا. دفاع از زحمتکشانشان کشور را "جرم" می دانند؟ نظام ستمشاهی می کوشید تا با ایجاد انحراف در خط شعر و هنر متعهد و ارائه نسخه های بدلی، آن را از محتوای انسانی و انقلابی تهی کند و نظم و ولایت فقیه" به گونه ای عمل می کند که شاهد آن هستیم. این نهاد روی یک سکه اند. اما آیا شاعران و هنرمندان انقلابی کشور ما از پای درمی آیند؟ نه آنها به راه خود می روند. فرهنگ و هنر ملی ما راه شکوفایی و بالندگی می پیماید.

به جنگ خانمان سوز با عراق پایان دهید!

## سازمان امپریالیسم ساخته "حجتیه" زیرچتر حمایت سران رژیم سرگرم فعالیت است

بقیه از صفحه ۱

حاضر با قبضه کردن بسیاری از "کارهای کلیدی و نیمه کلیدی" به فعالیت زیر زمینی مشغول هستند و "اکنون هم عضوگیری می نمایند و در بعضی از شهرها اسلحه هم تهیه کرده اند" (نماینده مجلس - اطلاعات ۶۲/۱۱/۸).

"حجتیه بخاطر نظارت مستقیم سازمانهای جاسوسی امپریالیستی با اجازه رسمی ساواک و بدست مشتکی معمم و مکلای سرمایه دار یا حمایت کران دو آتش آنها در پوشش مبارزه با بهائیت بنیان گذارده شد.

به نوشته روژنامه اطلاعات ۱۲ شهریور ۶۲ "همکاسکی (حجتیه) با رژیم (شاه) و آمریکا اظهار من الشمس است". یا موسی سلیمی، نماینده میانه در بهمن ماه ۶۲ می گوید: "قبلا هم عامل بیگانگان و پولداران بودند، حالا هم هستند" (اطلاعات ۶۲/۱۱/۸).

اسناد همکاری و همپیوندی نزدیک "حجتیه" با ساواک بارها افشا شده است. به اعتراف سران رژیم "انجمن حجتیه بدون اطلاع ساواک آب نمی خورد" و "انجمن وسیله مناسبی برای شناسایی مذهب پیون مجاهد بود". (اطلاعات ۱۱ مهرماه ۶۲) در ۸ تیرماه ۱۳۶۰ آقای خیمینی درباره همکاری مرجع تقلید "حجتیه"، آیت الله خوبی، گفت: "همان آقای سرشناس پرونده اش از ساواک بیرون آمده و آن وقتی که جوان های

مادر خیابان ها کشته می شوند، انگشتی برای محمد رضا فرستاده بود" و خروش و تظاهرات توده های میلیونی مردم علیه حکومت ستمشاهی را "خریت" خوانده بود.

پیش از انقلاب "حجتیه" دربر توکمهای مادی و معنوی گسترده ساواک و سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و از جمله پکارگیری آخرین دستاوردها و تجارب سازمانی آنها، موفق گردید سازمان گسترده و پرشاخه و شعبه ای را بوجود آورد. سازمان "حجتیه" برای تربیت کادرهای ورزیده "نفوذی" خود مستعدترین نوجوانان را بویژه از بین فرزندان سرمایه داران و مقامات بلند پایه دست چین و جذب می کرد و چهره هایی از آن بین را در مراکز جاسوس پروری داخلی یا خارجی تعلیم می داد. در مواردی نیز "حجتیه" عناصر "با استعدادی" همانند آقای سروش را راهی دانشگاههای انگلیس و آمریکا می کرد تا زیر نظر استادان کارکشته "سیا" با فراگرفتن دروس آنتی کمونیسم در راستای اهداف امپریالیسم و ارتجاع کمر به خدمت ببندند.

پس از پیروزی انقلاب، "حجتیه" به فرمان امپریالیسم یکشبه "تغییر موضع سیاسی" داد و موافق دخالت در سیاست شد و اعضایش را در جهت رخنه در ارکان ها و جناح های گوناگون حاکمیت سازمان داد. از این رو: "انجمن هم در جناح خط امام و هم در جناح خط غرب رخنه می

کند و در هر دو طرف عواملی را نفوذ می دهد که از جنبه اطلاعاتی نیز حائز اهمیت بود" در این کار به این علت موفق می شود که "انجمن... دارای نیروهای از قبل آماده و تربیت شده مقدس مآب بود، بر این ارکانهای مهم (سپاه، جهاد، حزب جمهوری اسلامی، دادگاه انقلاب، انجمن های اسلامی و بویژه آموزش و پرورش) چنگ انداخت، "تا" طرف فکر و برداشتی را که از اسلام (در زمینه های گوناگون اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی) دارند با وجود خودشان در ارکانها به اجرا در بیاورند" (اطلاعات ۲۱ شهریور ۶۲) در روزهای انقلاب "از سازمانهای دیگر که سخت مورد توجه انجمن قرار گرفت مراکز اطلاعات و امنیت سابق (ساواک) در شهرها بود که با دست اندازی به آن مراکز، اقدام به ضبط و محو مدارک و اسناد نمودند که می توانست پرده از روی روابط انجمن با ساواک و "سیا" و خیانت های آن بردارد. مثلا مراکز اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران در تهران تا مدتی در قبضه این باند بود... و طبیعی است که آثاری از اسناد علیه خود باقی نمی گذارند" (همانجا).

"انجمن حجتیه" بعد از انقلاب، با تمام توان سازمانی خود، دست در دست دیگر عوامل و سرسپردگان داخلی امپریالیسم و به یاری کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران تلاش ورزید فضای سیاسی مبارزات خلق را آلوده کند و مبارزه و شعارهای عدالت خواهانه و ضد امپریالیستی و بویژه ضد آمریکایی توده های مردم را منحرف سازد. "حجتیه" با پاشیدن بذر این نظر که برخلاف شوروی و مارکسیست ها، آمریکا و سرمایه داران "اهل کتاب" هستند، از این رو "برای مسلمین" خطر اصلی از جانب "شوروی" و "توده ای ها" است، به جو کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی و توده ای ستیزی در جامعه و در اجتماعات دامن می زدند. بگونه ای که افکار عمومی را از آماج ها و صحنه های اصلی رویارویی انقلاب و ضد انقلاب به سوی دشمنان خیالی معطوف می ساختند. طیب، یکی از گردانندگان حجتیه و نماینده دوره اول مجلس، در این باره می گوید:

"بعد از پیروزی انقلاب انجمن با تحت تاثیر همان ویژگی فکری اش (یعنی خطگیری از اربابان امپریالیستی اش) همواره از خطر چپ سخن می گفت. در پیش انجمن شوروی بخاطر ایده کمونیستی اش خطر بزرگی محسوب می شود" (آزادگان ۲۷ بهمن ۶۰).

در سالهای بعد از انقلاب، "حجتیه" در عرصه اقتصادی بگونه ای فعال در قلبگاه اردوی امپریالیسم و ارتجاع علیه منافع اکثریت ده ها میلیون مؤحتکشان قرار داشت، زیرا "حجتیه" اقتصاد آزاد کاپیتالیسم

کعبه آمالش بود و "در برابر اقدامات اقتصادی که بسود اکثریت جامعه اسلامی تمام می شد واکنش های منفی و مخالف بروز می دهد" (اطلاعات ۶۲/۷/۱۸) بدین جهت تا زمانیکه آقای خیمینی تحت تاثیر شرایط انقلابی تنها شعار خشک و خالی به هواداری "کوچ نشینان" و علیه "آمریکا" می داد، انجمن حجتیه می گفت: "راهی را که آقای خیمینی می رود غلط است" (اطلاعات ۶۲/۷/۱۱) البته این موضعگیری، پس از چرخش به راست حاکمیت و خیانت رهبران ج.ا.و. به آماجهای انقلاب، صدو هشتاد درجه تغییر کرد. امروز حجتیه خواستار طول عمر امام امت و پیروزی رزمندگان اسلام است (اطلاعات ۸ شهریور ۶۲).

انجمن حجتیه، در سالهای پس از انقلاب، بویژه پس از چرخش به راست حاکمیت، یکی از امیدها و آلترناتیوهای عمده امپریالیسم بوده است. در گزارش "فان ول"، سفیر جمهوری فدرال آلمان در واشنگتن که پیش از سفر کنش، وزیر خارجه آلمان به ایران، به دولت متبوع خود ارسال داشته، حاوی مذاکرات او با معاون وزارت خارجه آمریکاست، درباره اهمیت حجتیه ای ها برای آمریکا می خوانیم:

"ایالات متحده آمریکا این سازمان را برای زمان بعد از خیمینی بعنوان یک راه حل سیاسی ترجیح می دهد... حجتیه ای ها موفق شدند تعداد زیادی از اعضای خود را به مجلس فرستاده و مقامات حساس مملکتی در شورای نگهبان و چندین مقام وزارت را قبضه نمایند... هم اکنون اوضاع طوری است که حجتیه ای ها و طرفداران آنها قادرند جلو هرگونه تصمیمی را که مخالف میل آنها باشد، بگیرند. آنها علا جلودی اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را گرفتند. از جمله اصلاحات ارضی، برنامه ملی کردن معاملات خارجی، برنامه ضبط اموال ایرانیان مهاجر (یعنی سرمایه داران وابسته و فئودالهای فراری)... و غیره را نام برد".

حال در بر تو حقایق پیشگفته میتوان به سمت و سو وماهیت "خدمت آقایان حجتیه" که رفسنجانی از آن دم می زند، پی برد. در شرایط کنونی بخاطر چیرگی "خط حجتیه" در همه عرصه های زندگی اجتماعی، سران رژیم ترجیح می دهند گفته های دیروز خود را همانند "انجمن قابل اصلاح نیست" به آنها پست های کلیدی ندهید، خطرناکند" (خیمینی - اطلاعات ۶۲/۷/۱۴)

به فراموشی بسپارد. در پایان میتوان به پرسش آیت الله جنتی در سال ۱۳۶۰ که با واکنش خشمگین آقای خامنه ای روبرو شد نیز پاسخ گفت. وی گفت: "شما" حجتیه ای ها) قبل از انقلاب ولایت فقیه را قبول نداشتید و بعد از آن یا مخالف انقلاب بودید یا بی تفاوت نسبت به آن، یا شما خط عوض کرده اید یا نه؟" (کیهان ۶/۷/۲۰)

امروز پاسخ روشن است: حجتیه ای ها خط عوض نکرده اند. بلکه ولایت فقیه و سران ج.ا.و. خط عوض کرده اند و دوشادوش سازمان جاسوسی حجتیه به دفاع از کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران سرگرم اند.

تلفیق هشیارانه کار مخفی و علنی در شرایط کنونی یک وظیفه انقلابی است!

## از لابلای روزنامه‌ها

## خودکفایی آهن قراضه

"... این احساس به وجود آمد که لازم است در زمینه تولید آهن قراضه مورد نیاز کوره‌های ذوب، فعال شویم. در حال حاضر شرکت آهن قراضه در این زمینه فعالیت داشته و ما امیدواریم در آتیه مشکلی از این بابت نداشته باشیم". (وزیر معادن و فلزات)

## گناه شوروی!

"شوروی اخیراً کودکان مسلمان افغانی را با همکاری دولت ببرک کارمل به مدارس شوروی برده تا القاعات فکری الحادی به آن‌ها بنماید". (حبیبی نماینده مجلس)

## دوپیمار در یک تخت بگنجد!

"از وزارت بهداشتی می‌خواهم نسبت به وضع بیمارستان ولی عصر قائم‌شهر، مخصوصاً در بخش زنان که حتی دو نفر بیمار از یک تخت استفاده می‌کنند و بعضاً روی زمین می‌خوابند اقدام سریع به عمل آورد". (همان شخص).

## مشارکت امت شهید پرور در تهیه کودا

"از امت شهید پرور دعوت می‌نمایم تا با سرمایه‌گذاری معنوی و مادی خود در پروژه‌های کارخانجات تهیه کود آلی از زیاله خانگی ضمن مشارکت در امور شهر خود، در انجام عملیات پروژه‌های یاد شده تسریع به عمل آید. (ستاد مرکزی طرح تهیه کود آلی)

## صید شیلات جنوب ا

"شیلات جنوب تاکنون غیر از عدم رضایت صیادان و نگرانی مردم منطقه، چیزی به دامش نیفتاده است". (نبوی، نماینده بوشهر)

## اسیران کاغذ

"این‌ها (اعضای شورای عالی قضایی) لای کاغذ غرق هستند و زنجیر کاغذ دست و پای آن‌ها را بسته و گاهی حل یک مسئله جزئی دو سال طول می‌کشد". (روحانی، نماینده مجلس)

## تهاجم خزنده ا

"گروه‌های فشار فکری و سیاسی... همچنان از طریق کودتای خزنده به پیشبرد نظریات خود مشغولند و متأسفانه با بی‌توجهی مسئولین و دست‌اندرکاران، این کودتای خزنده به تهاجم خزنده تبدیل شده است". (قاضی زاده، نماینده مجلس)

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱  
خواهان قطع فوری بمبارانهای هوایی، آتش بس در جبهه‌ها و شروع مذاکرات برای پایان دادن به جنگ بی‌حاصل و خانمانسوزی است که فقط به نفع امپریالیسم و در وهله نخست امپریالیسم جنگ افروز آمریکاست و جز مرگ و ویرانی و دربردی برای مردم ایران و عراق حاصلی نداشته و ندارد. این خواست اکثریت قاطع مردم میهن ما است.

اعتراض توده‌های مردم علیه سیاست ضدملی رژیم که "جنگ - جنگ تا پیروزی"، "برقراری جمهوری اسلامی در عراق" و یا ادامه جنگ "تارفع قتنه در عالم" محتوی آنرا تشکیل می‌دهد، تشدید می‌شود. شعار "به این جنگ خانمانسوز پایان دهید!" به شعار همه خلق تبدیل شده است.

رژیم برای مقابله با گسترش روحیه ضدجنگ میان مردم علاوه بر استفاده از حربه ترور و اختناق، از طریق سازمان ویژه "ستاد تبلیغات جنگ" که یگانه نمونه در جهان است، به تبلیغ "جنگ فرسایشی" ادامه می‌دهد.

۲۳ اسفندماه سال جاری هاشمی رفسنجانی، سخنگوی "شورای عالی دفاع"، بدون در نظر گرفتن مصائب و کشتار جمعی که جنگ هر روز برای هموطنان ما به بار می‌آورد، وعده "حرکت همگانی و وسیع و سرنوشت سازی" را داد که به گفته وی "متکی به بسیج عمومی خواهد بود".

بدینسان سران جمهوری اسلامی نقشه جدید اعزام میلیون‌ها ایرانی را به کشتارگاهایی به نام

جبهه‌های جنگ تدارک می‌بینند. تردیدی نیست که اجرای این نقشه جنایتکارانه جز کشتار صدها هزار انسان و ویرانی شهرها و روستاها و موسسات صنعتی و کشاورزی و بی‌خانمانی میلیون‌ها ایرانی نتیجه دیگری در پی نخواهد داشت.

چنین است هدیه نروزی سردمداران خیانت پیشه رژیم به مردم ستمدیده ایران در آستانه نروزی سال ۱۳۶۴.

مردم ایران تا آنجا که مربوط به دفاع از میهن خود ایران می‌شد، با فداکاری و از جان گذشتگی به جبهه نبرد رفتند و تجاوزکار را از سرزمین خود بیرون راندند. زحمتکشان ایران دیگر حاضر نیستند جان و هستی خود را فدای امپال تجاوزکارانه حکام مرتجع می‌کنند که زیرپوشش مقابله با "کفر" و دفاع از "اسلام" عرضه می‌شود. مردم ما خواهان پایان دادن به جنگ اند و در این راه می‌رزمند.

برای پیروزی در این پیکار عادلانه، در حین بهره‌گیری از اشکال گونه‌گون مبارزه رایج، مانند کم‌کاری در ادارات دولتی و موسسات صنعتی، خودداری مادران از اعزام فرزندانشان به کشتارگاه‌ها، امتناع از به اصطلاح کمک به جبهه‌های جنگ و تظاهرات موضعی، باید از تظاهرات گسترده و از جمله تظاهرات مادران و کودکان و اعتصاب‌های همگانی در سراسر کشور نیز استفاده کرد. فقط با پیکار جمعی و پیگیر است که می‌توان جان صدها هزار ایرانی را از مرگ حتمی و کشور را از ویرانی و بی‌آمدهای وحشتناک اقتصادی جنگ نجات داد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۲۰ اسفند ۱۳۶۴



خیانت اکثر احزاب شرکت کننده در جبهه ملی با شکست روبرو شد، ولی مبارزه مردم ایران در راه پایان داده به سطره امپریالیسم نفتخوار ادامه یافت. ۲۹ اسفند را گرامی داریم و در صف واحدی برای دستیابی به استقلال کامل ملی مبارزه کنیم.

۲۹ اسفند ماه، روز ملی شدن صنایع نفت ایران، یکی از درخشان‌ترین روزهای تاریخ معاصر ایران است. در این روز مردم ایران در نبرد علیه انحصارات امپریالیستی نفت به پیروزی بزرگی دست یافتند. دکتر مصدق شخصیت ملی برجسته ایران در کسب این پیروزی نقش بزرگی ایفا کرد.

طبقه کارگر مبارز ایران و در پیشاپیش آن نفتگران جنوب نیز در این پیکار سهم عظیمی ادا کردند. اعتصاب دو ماهه کارگران نفت یکی از عوامل مهم سقوط کابینه علاء و روی کار آمدن دولت دکتر مصدق بود.

گرچه نهضت ملی شدن نفت در نتیجه توطئه "سیا" ساخته کودتای ۲۸ مرداد و نیز

## صد رحمت به سرمایه‌داری غرب ا

"تعجب آور است شنیده می‌شود که حتی شیلات و شرکت واحد و آهن و ... را به بخش خصوصی بدهید و همین طرز تفکر وقتی لایحه مالیات می‌آید، می‌گوید: فقط خمس و زکات این که نه شرقی، نه غربی نیست. این از غرب هم آن ورتراست". (همان شخص)

## خوانندگان عزیز!

به این نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

## تفسیری از پروادا

## تشدید خطرناکی

در روزهای اخیر از جبهه های جنگ ایران و عراق گزارشهای نگران کننده ای می رسد. عملیات جنگی در مناطق نبرد محدود نمانده و طرفین درگیر با بمب و موشک و توپخانه، اهداف غیر نظامی و از جمله مناطق مسکونی شهرهای بزرگ را زیر ضربات خود قرار داده اند. در میان این اهداف - در سرزمین عراق بغداد، بصره، مندلی، کرکوک و در ایران، تهران، آبادان، اهواز، اصفهان و تبریز قرار دارند. خبرگزاری های خارجی از تعداد زیاد قربانیان خبر می دهند.

این انفجار تازه قساوت حاکی از نقض توافقی است که طرفین در ماه ژوئن سال گذشته به آن رسیدند که دست زدن به اقدامات جنگی علیه آماجهای غیر نظامی را ممنوع می کرد و همزمان با آن از نو یادآوری می کند که خواست یافتن راهیابی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق که دیگر چهار سال و نیم است که ادامه دارد و زیانها و دردهای فراوانی را برای خلقهای مرد و کشوربپاری آورد چقدر ضروری است.

کوششهای متعدد سازمانهای بین المللی - سازمان ملل متحد، اتحادیه اعراب و جنبش غیر متعهدا برای قطع نبرد و کشاندن دو طرف به پشت میز مذاکره تا کنون نتیجه مثبت نداده است.

بدین ترتیب دو کشور مسلمان همسایه خود را در درگیری های خونین فرسوده می کنند و دیگران دست خود را روی این آتش گرم می نمایند. پنتاگن که اقدامات خود را با ادامه زدوخورد و خطری که گویا برای کشتیرانی از تنگه هرمز وجود دارد تهره می کند ناوگان جنگی بزرگی را به نزدیکی خلیج فارس آورده است.

اعزام کشتی های ناوگان ششم نیروی دریایی آمریکا به سواحل شرقی دریای مدیترانه را ناظران خارجی هم با رویدادهای لبنان و هم چنین با اوضاع حاد در جبهه های ایران و عراق مربوط می دانند. بعبارت دیگر نیروها را برای مداخله آماده نگاه داشته اند.

پرز دوکویار دبیرکل سازمان ملل متحد به رهبران ایران و عراق با این فراخوان مراجعه کرده است که از بمباران آماجهای غیر نظامی خودداری کنند و پیکار را قطع نمایند. هر قدر زودتر دو کشور به این دعوت و دیگر فراخوانهای صلح دوستانه پاسخ مثبت دهند و به حل مسائل موجود میان خود کمک کنند، همانقدر بهتر است. این بسود خلقهای ایران و عراق است که آتش یکی از کانونهای جدی جنگ در روی زمین را خاموش سازند.

موافقت نامه با تشکیل کنفرانس بین المللی پیرامون مسائل خاور نزدیک بخاطر تحقق آرمانهای ملی فلسطینی ها مخالفت می ورزد، هر چند که در آن، در حرف اعلام میشود که "مذاکرات زیر پوشش کنفرانس بین المللی" انجام خواهد گرفت. هدف این سند عبارتست از ترتیب دادن مذاکرات مستقیم و جداگانه، مذاکراتی همانند آنچه در جریان زدوبندهای کمپ دبوید برگزار شد.

احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عربی خاور، این موافقت نامه را با قاطعیت رد می کنند و برای لغو آن به مبارزه برخیزند. آنها همبستگی خود را با سازمانهای میهن پرست فلسطینی و شخصیت های مخالف این موافقت نامه اعلام می دارند.

احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عربی خاور شرط ضرور تحقق حقوق ملی و جدایی ناپذیر خلق عرب فلسطین و دستیابی به صلح عادلانه و پایدار در منطقه را خروج نیروهای نظامی اسرائیل از کلیه سرزمینهای اشغالی اعراب، پایبندی به قطعنامه کنفرانس عالی "فاس" و شانزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین، می دانند و اعتماد راسخ خود را نسبت به این امر اعلام می دارند. در اعلامیه از پیشنهادات اتحاد شوروی پیرامون حل مسئله خاور نزدیک پشتیبانی می شود.

شرکت کنندگان در گردهمایی پیروزی بدست آمده توسط مبارزین جبهه ملی - میهن پرست لبنان را که اشغالگران اسرائیلی را ناگزیر به تخلیه صیدا ساختند، تبریک می گویند. آنها حمایت خود را از مبارزه خلق لبنان علیه اشغالگران اسرائیلی و نیز پایداری ساکنان کرانه باختری رود اردن و نوار غزه، بلندی های جولان و علیه خلق کشتی صیهونیست ها اعلام می دارند.

در اعلامیه گفته میشود که تنها اتحاد کلیه نیروها و رژیمهای مترقی و میهن پرست عرب، حل اختلافات فرعی، تحکیم مناسبات با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ضامن خنثی کردن فشار امپریالیسم، صیهونیسم و ارتجاع در خاور نزدیک است.

## گردهمائی نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عربی خاورمیانه

اخیرا، گردهمایی نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عربی خاور در دمشق برگزار شد. این گردهمایی بمنظور بحث و بررسی پیرامون اوضاع فعلی منطقه پس از امضای موافقت نامه اردن - فلسطین، تشکیل گردید. در این گردهمایی همچنین وضع در لبنان پس از عقب نشینی نیروهای نظامی اسرائیل از منطقه صیدا مورد بررسی قرار گرفت.

در اعلامیه ای که پس از پایان این گردهمایی بتصویب رسید از جمله گفته میشود که موافقت نامه امان مبارزه فلسطینی ها و انقلاب فلسطین را تهدید می کند، تفرقه و چنددستگی را در صفوف سازمان آزادیبخش فلسطین بیشتر دامن می زند و اختلاف نظر بین دول عربی را ژرف تر می کند و راه را برای تشدید نفوذ آمریکا و اسرائیل در منطقه هموار می سازد. این موافقت نامه نتیجه فشاری است که به رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین وارد آمده و هدفش تحمیل سیاست سازشکارانه، تفرقه افکنی در صفوف نهضت های آزادیبخش کشورهای عربی و ضربه زدن به مصالح ملی خلق عرب فلسطین است. امضای این موافقت نامه زمانی صورت می گیرد که امپریالیسم آمریکا با تمام قوا می کوشد تا سیادت و سیطره بی چون و چرای خود را در خاور نزدیک برقرار نماید و تلاش می ورزد دستاوردهای خلقهای عرب را پایمال سازد و منطقه را به پایگاه تجاوز علیه نهضت های رهایی بخش تبدیل کند. کشورهای ناتو و محافل امپریالیستی موافقت نامه امان را تبریک گفتند. ریگان، رئیس جمهور آمریکا آنرا به مثابه "گام مثبت" ارزیابی کرد. در اعلامیه گفته میشود، موافقت نامه امان حق خلق فلسطین را برای ایجاد یک دولت مستقل پایمال می سازد، به حق سازمان آزادیبخش فلسطین بعنوان یگانه نماینده قانونی خلق فلسطین ضربه می زند. این موافقت نامه قرار شورای ملی فلسطین و از جمله شانزدهمین اجلاس عالی کنفرانس سران کشورهای عربی در "فاس" را رد می کند.

## سال نو، سال پیکار، سال پیروزی

خلق به پیشواژ رمی، که در سال ۱۳۶۴ در راه است، می رود. محرومان بر سر سفره های تحویل سال نو میثاق ادامه نبرد می بندند. زحمتکشان سرود مقاومت و پیروزی می خوانند و نبرد بزرگ را آماده می شوند.

سال نو سال پیکار علیه جنگ، علیه فقر، علیه ظلم و جور حکام جنایت پیشه است. سال نو سال مبارزه در راه آزادی های دموکراتیک، آزادی هزاران مبارز پیکار سعادت خلق و استقلال میهن است.

باید دست صاحبان سیم و زر، کلان سرمایه داران، زمین داران بزرگ و بازرگانان میلیاردی را برای همیشه از جان و مال و ناموس مردم زحمتکش این سرزمین کوتاه کرد.

آزادی و سعادت را فقط با پیکار و همبستگی و اتحاد می توان به چنگ آورد.

میثت تحریریه و کارکنان "نامه مردم" فرارسیدن سال نو را به یکایک هم میهنان گرامی خویش از هر نژاد و کیش، به همه زنان، مردان، جوانان و سالخوردهگان از ته دل شادباش می گویند و برای همگی در نبرد ملی و میهنی آرزوی پیروزی و کامیابی می کنند.